



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی رحمته الله

| مقرر | حجت الاسلام مرتضی اسدیان | جلسه | ۶۶ | تاریخ | ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ |
|----------------|--|------|----|-------|------------|
| عنوان اصلی درس | نماز مسافر | | | | |
| عنوان دوم | شرائط وجوب تقصیر | | | | |
| شرط اول | قطع مسافة | | | | |
| شرط دوم | قصد مسافة | | | | |
| شرط سوم | استمرار قصد | | | | |
| شرط چهارم | سفر، سفر معصیت نباشد | | | | |
| عنوان فرعی | مطلب سوم: مصداق دوم: سفر الزوجة مع نهی الزوج | | | | |

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

بحث ما در مصادیق سفر معصیت زوجه بود؛ برای اینکه این بحث را روشن نماییم گفتیم باید در چند مطلب بحث نماییم؛

در جهت اولی: گفتیم دلیلی بر وجوب اطاعت زوجه از زوج مطلقاً نداریم.
در جهت ثانیه: گفتیم در برخی از موارد این وجوب اطاعت ثابت است و در حال بحث آن بودیم:
مورد اول: آنجایی که زوج طلب تمکین جنسی کند که گفتیم يجب علی الزوجة اطاعة الزوج و مخالفت حرام است.
مورد دوم: خروج المرأة عن بیتها بود که باید زن مرد را اطاعت کند و اگر مرد نهی کرد حق ندارد از خانه خارج شود بلکه اصلاً متوقف بر اذن زوج است مگر در موارد ضرورت؛ البته علم به رضا که به آن اذن فحوی نیز می گویند به نظر ما مکفی است.

مطلب سوم: بنابراین حکم سفر مرأة هم فهمیده می شود به این جهت که سفر مستلزم خروج از بیت است بنابراین اگر خروج از بیت زوج متوقف بر اذن اوست پس سفر هم متوقف بر اذن زوج خواهد بود به استثنای سفر واجب، در سفرهای غیر واجب زوجه باید از زوج اذن بگیرد پس اگر سفر کرد بدون اذن زوج سفر او سفر معصیت خواهد بود و «يجب علیها ان تتم الصلاة و ان لا تقصر الصلاة».

بحث دیگری داریم در مورد چهارم که باز هم از ذیل همان بحث مسأله حدود اطاعت زوجه لزوجها است.

فرع: نذر زوجه بر سفر

حالا که معلوم شد سفر مرأه بدون اذن زوج جایز نیست مگر در سفر واجب، حال اگر زن، زن زرنگی بود و نذر سفر کربلا کرد نذر او واجب می شود و سفر، سفر واجب بالنذر می شود آیا این استثنا که گفتیم باید اذن بگیرد مگر در سفر واجب؛ آیا این سفر واجب سفر واجب بالنذر و العهد و الیمین و... هم می شود یا خیر؟ برای تنقیح این مسأله به سه مطلب باید پردازیم:

مطلب اول: اصل اینکه آیا صحت نذر زن متوقف بر اذن زوج است یا خیر؟! و اگر اذن نگیرد نذر او باطل است؟
مطلب دوم: اگر استیذان شرط نبود و بدون اذن زوج هم می تواند نذر کند و دلیلی بر اینکه در انعقاد نذر اذن زوج دخالت دارد نیافتیم اما له ان ینهی زوجته عن السفر و اگر نهی کند نذر باطل می شود. پس نذر ینعقد صحیحاً اما یبطل بنبهی الزوج عن السفر.

مطلب سوم: اینکه اگر قایل شدیم به اینکه ینعقد نذرهای صحیحاً من دون اشتراط اذن الزوج؛ سپس زوج مطلع شد، یجوز للزوج ان یحل نذرهای یعنی نهی کند اما نذر زن را منحل کند.
یترتب بر این مطلب بحث دیگری:

اگر ما قایل به صحت نذر شدیم حالا اگر نذر کرد و سفر بر او واجب شد و نهی زوج هم در کار نبود و زوج اصلاً نبوده و اعلام الزوج هم که شرط نیست آیا حالا که نذر کرد و نذر او هم صحیحاً منعقد شد زوج هم عالم نیست بنذرهای تا نهی کند یا حل نذر کند آیا در اینجا سفر او مصداق سفر واجب می شود یا نه؟

یعنی آیا آن مسأله وجوب استیذان زوجه به جهت خروج از بیت موجب آن می شود که نذر سفر حداقل واجب الوفاء نباشد و نذر منعقد نشود؟ فقط به همین دلیل که باید اذن می گرفت؛ بنابراین نذر او مثل نذر غیر مقدور است؛ فرض بر این است که در صحت نذر اذن زوج واجب نیست منتها از یک ناحیه دیگر نذر او نذر فعل غیر مقدور شرعی می شود زیرا سفر او باید با اذن زوج باشد و چون تحصیل اذن زوج مقدور نیست و لذا نذر او غیر مقدور شرعی است.
این چند مسأله باید بحث کنیم:

مسأله اول: اصل اینکه نذر زوجه صحت آن متوقف بر اذن زوجه است و یا ینعقد نذرهای باذن الزوج؛ البته به شرطی که سایر شرایط نذر را دارا باشد و امر راجح شرعی باشد. مثلاً سفر کار خیری است و یا زیارت عتبات است آیا در نذر چنین سفری در صحت انعقاد آن یشتراط اذن الزوج أو لا یشتراط؟
در بین فقهای ما سه نظر از کلمات فقها استفاده می شود:

محقق حلی رحمته الله در شرایع و مرحوم علامه رحمته الله در قواعد، در تحریر و در تبصره و بسیاری از فقها فائند که در اصل انعقاد نظر زوجه اذن الزوج شرط است پس اگر اذن نباشد نذر صحیح نیست و باید اذن بگیرد تا نذرش صحیح باشد.
عبارت مرحوم محقق رحمته الله در شرایع این است که می فرماید:

«ویشتراط فی نذر المرأة بالتطوعات اذن الزوج»؛

اذن زوج شرط است پس اگر اذن زوج نباشد نذر مرأه صحیح نخواهد بود؛ مرحوم صاحب جواهر رحمته الله بر این عبارت این را اضافه می کند و می فرماید:

«وفاقاً للمشهور بين الأصحاب سيما المتأخرين كما قيل»؛

که مشهور متأخرین بر این هستند که صحت اصل نذر زوجه متوقف بر اذن الزوج است .
مرحوم علامه رحمته الله در تبصرة المتعلمین می فرماید:

«ويشترط في الناذر: التكليف، والاختيار، والقصد، والإسلام، واذن الزوج والمولى في الزوجة والعبد في غير الواجب»؛

هم در عبد و هم در زوجه در صحت نذرشان اذن شوهر برای زوجه شرط است و اذن مولى برای مملوك.

این نظر اول که اصل صحت انعقاد عقد متوقف بر اذن الزوج است.

از عبارات برخی دیگر از فقها نکته ای دیگر استفاده می شود و آن اینکه:

مرحوم علامه رحمته الله در تلخیص المرام خود به نظر می رسد عبارت ایشان این است که:

«ولا يمين للولد والمرأة والمملوك مع كراهة الوالد والزوج والمولى»؛

ظاهر این است که مراد از کراهت کراهت قلبی نیست بلکه مراد نهی است.

اینکه می فرماید مع كراهة الوالد والزوج والمولى ولهم الحل.

البته یمین که گفته می شود شامل نذر هم می شود و در روایات هم مراد از یمین اعم از نذر و یمین مصطلح است چون

در نذر هم «لله على» شرط است این هم نوعی یمین شمرده شده است و این یمین شامل نذر هم می شود.

و بعد دارد که والد و ... می توانند نذر فرزند و ... را منحل کنند و این خودش يدل بالدلالة الالتزامیه بر عدم توقف انعقاد

نذر بر اذن زوج و اگر متوقف بود نوبت به انحلال نمی رسید پس این دو نظر از علامه رحمته الله با هم متفاوت است مرحوم

شهید رحمته الله در دروس هم همین عبارت را دارد تقریباً می فرماید: «يجوز للزوج ان يحل نذر زوجته»؛ این هم باز يدل بر اینکه

اصل انعقاد نذر زوجه متوقف بر استیذان نیست ولی اگر زوج مطلع شد می تواند نذر او را منحل کند.

در اینجا سه نظر از مجموع کلمات فقها استفاده می شود:

نظر اول: اصل صحت انعقاد متوقف بر استیذان است.

نظر دوم: با نهی منعقد نمی شود اگر قبل از انعقاد نهی کند منعقد نمی شود چه قبل از نذر نهی کند و چه بعد از نذر.

نظر سوم: نذر زوجه متوقف بر اذن زوج نیست لکن می تواند حل نذر کند اگر نهی کرد یا حل نذر کرد نذر او باطل

خواهد شد.

فرق هایی بین سه نظری که گفتیم هست:

- فرق بین نظر اول و دوم، سوم این است که:

۱. جواهر الکلام؛ ج ۱۸، ص ۲۶۲.

۲. تبصرة المتعلمین؛ ص ۱۵۸.

۳. تلخیص المرام؛ مطبوع در ضمن سلسلة ينابيع الفقهية، ج ۳۲، ص ۱۴۸.

نظر اول معنایش این است که اگر بدون علم زوج نذر کند نذر او باطل است. اما در دوم و سوم اگر نذر کرد بدون علم زوج اصل نذر صحیح خواهد بود و حتی اگر اذن سفر به کربلا گرفت بدون اینکه بگوید نذر کردم، اینجا نذر صحیح خواهد بود.

فرق دو وسه: اگر نهی کرد باطل می شود اصل نذر و منعقد نمی شود و اگر نهی نکرد منعقد می شود در این زمان اگر زوج علم به نذر کردن پیدا نکرد و حل نذر نکرد و باز هم این سفر صحیح است و نذرش صحیح است و مشکلی ندارد ولی اگر نرفت با اینکه اذن داشت و نرفت در چنین موردی حنث نذر کرده است چون نذر صحیح بوده و امکان انجام آن بوده مگر اینکه نهی شده باشد.

بنابراین فرق دوم و سوم عبارت است از: حنث شدن در صورت سوم و عدم حنث در صورت دوم. اگر نهی زوج نباشد و نرود به سفر حنث نموده و اگر نهی زوج باشد و نرود مشکلی نیست و حنث نذر ننموده. البته فرق است بین حل نذر که نذر را باطل می کند و اثر آن وضعی است که بطلان باشد اما نهی علاوه بر بطلان حرمت تکلیفی نیز دارد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ